خبرها

دعوت نهضت آزادی به آشتی ملی

آفتاب: «ابراهیم یزدی» دبیرکل نهضت آزادی از دولت خواست در مقابل تهدیدات خارجی اعلام یک آشتی ملی کند. وی توضیح داد: «عقلانیت سیاسی- اجتماعی بشر حکم می کند در مقابل تعرض بیگانه، اتحاد ملی یا قبیله ای خود را با کنار گذاشتن اختلافات گذشته شکل دهد و در شرایط کنونی که مسئولان رده بالای حکومتی نیز جدی بودن خطر را اعلام می کنند، حداقل کار ممکن اعلام رسمی یک آشتی ملی است که بلافاصله باید اجرا شود.» او با بیان اینکه «این آشتی ملی می تواند به همراهی خیل عظیم نخبگان و روشنفکران با حق برخورداری از انرژی هسته ای بینجامد»، در مورد مصادیق این آشتی می گوید: «دولت با آزادی زندانیان سیاسی، آزادی روزنامه های توقیف شده و حذف فشار از بدنه احزاب می تواند خیل فعالین سیاسی و روشنفکران را با خود همراه کند.»

بررسی نشست حکمیت در خانه احزاب

ایلنا: دومین جلسه حل مشکلات خانه احزاب با حکمیت «حبیب الله عسگراولادی» و «بهزاد نبوی» چهارشنبه شب برگزار شد. از سوی دیگر، برگزاری این جلسه در نشست اخیر شورای مرکزی خانه احزاب بررسی شد. به گفته «حمید قزوینی» سخنگوی خانه احزاب، در این جلسه آقایان کاشفی و شیخیانی به عنوان نمایندگان شورای مرکزی گزارشی از دیدار و مذاکرات خود را با منتقدین خانه احزاب مطرح و از اعضا در خصوص نحوه ادامه مباحث نظرخواهی کردند. وی افزود: «تاکید دوستانی که در این مذاکرات شرکت می کنند، این بود که ما تنها نماینده شما برای مذاکره هستیم و اتخاذ تصمیم نهایی به عهده شورای مرکزی خواهد بود.» به گفته قزوینی «در این جلسه اعضای شورای مرکزی با حسن ظن نسبت به رایزنی های آقایان عسگر اولادی و نبوی، از هر نوع راه حل و راهکاری در چارچوب قانون فعالیت احزاب و اساسنامه خانه احزاب که منجر به حل مسائل مربوط به خانه احزاب شود، استقبال کردند.»

اعتراض به تعلیق یک دانشجو

ایلنا: انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه سهند تبریز با انتشار بیانیه ای نسبت به صدور حکم تعلیق برای عضو سابق این تشکل اعتراض کرد. در این بیانیه آمده است: «صدور حکم یک ترم تعلیق از تحصیل برای سیدحسین میرکریمی نایب دبیر سابق انجمن اسلامی دانشجویان، توسط کمیته انضباطی تجدیدنظر و همچنین صدور حکم تذکر کتبی با درج در پرونده برای وی و بهزاد حیدری یکی دیگر از فعالان فرهنگی- دانشجویی به اتهام واهی توهین و اهانت، شاهکار جدید کمیته انضباطی است.»

سکوت جامعه روحانیت در برابر حمله به ناطق نوری

آفتاب: سخنگوی جامعه روحانیت مبارز اعلام کرد: «دفاع از اعضا وظیفه جامعه روحانیت است ولی بهتر است آقای ناطق نوری خودشان از خود دفاع کنند زیرا در وهله اول این وظیفه برعهده شخص ایشان است.» «غلامرضا مصباحی مقدم» این مطلب را درباره دلایل سکوت جامعه روحانیت مبارز پس از حمله های اخیر بخش هایی از جناح راست به ناطق نوری مطرح کرد.

گفت وگو با مهرداد مشایخی

سازمان های سیاسی از بحث های اجتماعی دورافتاده اند

گروه سیاسی: «بی اعتمادی و بازتولید آن در جامعه ایران» عنوان مصاحبه ای است که «مهرداد مشایخی» جامعه شناس و استاد دانشگاه جورج تاون آمریکا اخیراً با رادیو آلمان انجام داده است. وی در این مصاحبه به بررسی جوانب و علل تاریخی و اجتماعی روحیه عدم همکاری در ایرانیان می پردازد. مشایخی معتقد است: «اکثر مردم با درد بی اعتمادی همگانی و بدگمانی به غیر، آشنا هستند اما سیستم سیاسی، فرهنگی و اجتماعی به گونه ای است که بی اعتمادی مدام بازتولید می شود.» او در این مصاحبه به بحرانی که در کمین جامعه ایران است اشاره می کند و فراخوان به همکاری مشترک ایرانیان برای غلبه بر این خطر می دهد.

■ ■ ■

■ آقای مشایخی! یکی از معضلاتی که در جامعه ایران طی سال های اخیر مطرح شده، «بحران اعتماد» است. به عقیده شما اعتمادآفرینی از کجا باید شروع شود؟ از دولت، از نهادهای مدنی، از نخبگان، آموزش های اولیه یا چیزهای دیگر؟

طبیعی است اگر بخواهیم به طور مجزا صحبت کنیم، نهادهای اجتماعی مانند خانواده و آموزش و پرورش نقش بسیار موثری در انتقال یکسری ارزش های فرهنگی به فرزندانشان دارند. اعتماد باید در وهله اول در خانواده و در نهاد آموزش و پرورش به دست بیاید. اما در کشورهایی مثل ایران که شبح دولت در تمام عرصه های زندگی، به خصوص آموزش و پرورش و حتی به طور غیرمستقیم در رفتار خانواده تاثیر می گذارد، ما نمی توانیم شکل حکومت و سیاست های حکومت را از دو نهاد آموزش و پرورش و خانواده جدا کنیم. به همین دلیل است که می بینیم در خانواده های ایرانی انتقال ارزشی مثل اعتماد به فرزندان صورت نمی گیرد چون آنها همواره سایه دولت و رفتار دولت را در ناخودآگاه خودشان در نظر دارند.

■ بله، البته رابطه مردم با دولت تا حدودی تظاهر به اعتماد را هم دارد، یا به عبارتی متکی بر تقیه است. یعنی در ظاهر همراه هستند و در باطن نه. گو اینکه شما در مقاله خود به موضوع تقیه که از مذهب ناشی می شود اشاره کرده اید، اما این دوگانگی را که اینک جزء خصلت های عمومی و ملی ایرانیان است، چگونه تعریف می کنید؟

ریشه اصلی این مسئله را در مذهب نباید جست وجو کرد. باید ریشه را در شرایط نابسامانی که تاریخ چند هزارساله ایران را توضیح می دهد جست وجو کنیم. مهمترین عاملی که اینجا قابل توضیح است، مسئله ناامنی است. بسیاری متخصصان که ایران را بررسی تاریخی کرده اند، معتقدند که عامل ناامنی از مهمترین متغیرهایی است که توزیع کننده غالب خصوصیات فرهنگی ما است. این سرزمین بر سر راه هجوم قبایل و نقل و انتقال های اجتماعی بوده که از منطقه ای به منطقه دیگر چه به خاطر تجارت و چه به خاطر هجوم و غارت رفته اند. ساکنان سرزمین ایران همواره در معرض حمله های خارجی قرار داشته اند و از سوی دیگر سرزمین ایران از درون، چه از سوی حکومت متمرکز و انحصارگر و چه از طریق قبایل مختلفی که مرتب به هم حمله می کرده اند، در معرض ناامنی قرار داشته است. به تدریج در طول تاریخ احساس عدم امنیت وارد بافت فکری و فرهنگی اکثریت مردم شده است. آن وقت یکسری رفتارها و ارزش هایی شکل گرفته که محورش حفظ خود است. وقتی شما مسئله اصلی تان در محیطی ناامن، حفظ خود باشد، طبیعتاً به سوی محافظه کاری می روید. مگر اینکه شرایط به قدری غیرقابل تحمل شود که در طول چندین قرن یا چندین دهه، انفجار حاصل شود. رفتار ایرانیان، رفتاری است محافظه کارانه و توام با تحمل و مدارا در مقابل استبداد که ناگهان در یک فرصت، مبدل به فوران و انفجار می شود. به همین دلیل مادامی که مسئله عدم امنیت چه به دلایل خارجی و چه به دلایل داخلی، نقش بسیار مهمی در زندگی اجتماعی ما داشته باشد، مسئله اعتماد جای خود را باز نخواهد کرد.

■ در دولت هم ما به طور متقابل شاهد این بی اعتمادی هستیم. چگونه می توان از این چرخه معیوب بیرون آمد؟

کاملاً درست می گویید! در واقع یک دور تسلسلی شکل گرفته که هر دو طرف نسبت به هم بی اعتماد هستند. حکومت ها متاسفانه چون آن وظیفه را که بردوش دارند، به درستی انجام نمی دهند، احتمالاً خود آغازگر این سیکل نخواهند بود و این مهم برعهده جامعه است. در جامعه نیز روشنفکران و معلمان و کسانی که نقش آموزشی دارند، باید آغازگر طرح مسئله اعتماد به عنوان یک سرمایه اجتماعی باشند. ضعف اعتماد در جامعه ما، تاثیر خود را چه در روابط اقتصادی، چه در شکل گیری جامعه مدنی و چه در همکاری های سیاسی برجای می گذارد. ما باید مردم را با طرح این مشکل در سطح ملی، متوجه این نکته بکنیم. طبیعتاً مادامی که شرایط عدم امنیت برقرار باشد، ما تا حدی می توانیم موضوع را بهبود بخشیم و مسئله در درجه اول با طرح اش و راه پیدا کردن به رسانه های ارتباط جمعی و کم کم در خانواده و نهاد آموزش و پرورش و احتمالاً در آخر در دولت، جای خود را باز خواهد کرد.

■ چرا به معضلی با این اهمیت، از سوی کنشگران سیاسی کمتر پرداخته می شود و گروه ها و افراد به جای اینکه تشخیص بدهند درد از کجا است، به اختلاف های روبنایی می پردازند. ما در اکثر تشکل ها می بینیم درگیری ها در اصل از فرهنگ عدم مشارکت و عدم اعتماد است اما در ظاهر به صورت اختلاف فکری نمود پیدا می کند...

ریشه این مسئله در سازمان ها و تشکل های سیاسی به یک وسواس عجیب برای «کار سیاسی کردن» برمی گردد. کار سیاسی به قدری به طور خاص، سیاسی تعریف می شود که هرگونه ارتباط با مسائل اجتماعی و فرهنگی را از دست می دهد. البته در سال های اخیر تکانی در این زمینه خورده و شرایط مقداری بهتر شده، اما ما به طور کلی این مشکل را داریم. کسانی که سازمان های سیاسی ما را تشکیل می دهند، مقدار زیادی از بحث های فرهنگی و اجتماعی دور می افتند و مسئله ای به این اهمیت که چرا در روابط گروه های سیاسی، این اندازه بی اعتمادی و این نوع روابط قبیله ای وجود دارد، مورد بررسی واقع نمی شود. این روابط ادامه همان روابط قدیمی است که قبیله دیگر را غیر می داند و این روحیه با دخل و تصرف مختصری امروز هم به ما منتقل شده است. به نظر من یکی از کارهایی که این سیکل را می تواند بشکند، این است که نیروهای سیاسی ایرانی با هم تصمیم بگیرند تا وارد دوری از صحبت های نزدیک پیرامون مسائل مختلف بشوند. الزاماً نه این که سر نکاتی توافق کنند، بلکه بپذیرند که باید تحت هر شرایطی دیالوگ و گفت وگوی سالم میانشان وجود داشته باشد. این به نظر من حداقل کاری است که ما می توانیم بکنیم. ضمناً این به هیچ وجه نباید معنای افراط و تفریط داشته باشد که یا ما به شکل تخاصمی با هم رفتار کنیم یا اگر تخاصمی نیست، از روی اختلاف ها بپریم و در یک چارچوبی، یکی شویم. منظور من هیچیک از این دو نیست بلکه می گویم پروسه اعتمادسازی در شرایط کنونی، بسیار مهم است.

خلاصه گفت وگو

۱- مادامی که مسئله عدم امنیت چه به دلایل خارجی و چه به دلایل داخلی، نقش بسیار مهمی در زندگی اجتماعی ما داشته باشد، مسئله اعتماد جای خود را باز نخواهد کرد.

۲- کار سیاسی در ایران به قدری به طور خاص، سیاسی تعریف می شود که هرگونه ارتباط با مسائل اجتماعی و فرهنگی را از دست می دهد. البته در سال های اخیر تکانی در این زمینه خورده و شرایط مقداری بهتر شده، اما ما به طور کلی این مشکل را داریم.

۳- اگر ما بخواهیم از این شرایط بحرانی استفاده بهینه برای منافع ملی ایران بکنیم، با فرقه گرایی و بی اعتمادی، مسلماً اگر شرایط از این بحرانی تر هم شود، نمی توانیم کاری بکنیم. لازم است که در این شرایط اولین گام در جهت دیالوگ و اعتمادسازی میان گروه های مختلف انجام گیرد.

■ آیا به نظر شما فرهنگ غیرمشارکتی، ناشی از این نیست که هزینه مشارکت اصولاً در جامعه ما خیلی بالا بوده؟ چون ما حتی شاهدیم که نسلی که خود درگیر فعالیت های اجتماعی شده اند، به بچه های خود توصیه می کنند که کنار بکشند...

در واقع ما داریم صحبت از ضعف گسترده عمومی و ضعف جامعه مدنی می کنیم. در واقع آن حوزه ای از جامعه که می باید شهروندان، دور از کنترل حکومت بخواهند روابط مستقل و آزادانه ای را بر مبنای منافع شخصی یا گروهی خود در حوزه های گوناگون فرهنگ، هنر، اقتصاد، سلیقه، سیاست و غیره سازمان بدهند. به دلایلی که قبلاً ذکر شد، از یک طرف ما می بینیم چون اعتماد نیست، گرایش به همکاری وجود ندارد و افراد می گویند چه کاری است که من خود را وارد رابطه ای کنم که طرفم را نمی شناسم. می روم در چارچوب افراد هم مذهبم انجام می دهم. در محله انجام می دهم که بچه محله ای های خودم را می شناسم، یا این از خانواده خودم است و اعتماد دارم. می بینیم که همکاری ها در ایران وجود داشته و دارد اما در حوزه هایی است که شما اعتماد داشتید به اطرافیان خودتان، اما وقتی ما وارد جامعه مدرن می شویم و جامعه مدنی مطرح می شود، و دیگر آنجا بحث گروه های خونی نیست، بلکه شما بر اساس سلایق و علایق مشترکتان وارد ارتباط می شوید با کسانی که ابتدا نمی شناسید، می بینید افراد حذر می کنند. در عین حال سوی دوم این مشکل به حکومت برمی گردد. حکومت باید از طریق قوانین خود اجازه دهد حوزه ای شکل بگیرد و آن را منع نکند تا مردم احساس اعتماد کنند و وارد همکاری شوند. چون حکومت این فضا را اجازه نمی دهد، باز روند پرهیز کردن از مشارکت های اجتماعی زمینه پیدا می کند. نمونه آخر مربوط به برخورد حکومت با فعالان سندیکایی شرکت واحد بود که آنها را گرفتند و به زندان انداختند. این درس برای نسل بعدی و اطرافیان این است که وارد شدن به این نوع فعالیت ها، سر و کار افراد را به زندان می کشاند و باید حذر کرد.

■ اگر فرض بگیریم که معضل همکاری های جمعی حل شده باشد، دستور کار این همکاری را در برابر بحران های کنونی جامعه چه می بینید؟

باید مشخص کرد که چه نوع همکاری در اینجا مورد نظر است. در این بحث صحبت همکاری های سیاسی است، نه اقتصادی و فرهنگی که بعد درازمدتی دارد و آموزش و پرورش و خانواده و دولت را می طلبد اما در این بحث خاص، ما راجع به همکاری میان فعالان سیاسی صحبت می کنیم در مواجهه با شرایط بسیار حاد سیاسی که در پیش رو هست. اگر ما بخواهیم از این شرایط بحرانی استفاده بهینه برای منافع ملی ایران بکنیم، با فرقه گرایی و بی اعتمادی، مسلماً اگر شرایط از این بحرانی تر هم شود، نمی توانیم کاری بکنیم. لازم است که در این شرایط اولین گام در جهت دیالوگ و اعتمادسازی میان گروه های مختلف انجام گیرد. حالا ممکن است از درون این روند ما به نتایج مهم سیاسی برسیم، یا نرسیم اما مهم این است که آغاز دیالوگ داشته باشیم.

خبرها

نشست دانشجویان درباره مذاکره با آمریکا

ایسنا: نشست دانشجویی «مذاکره با آمریکا» از سوی نشریه دانشجویی «درد مشترک» در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران برگزار شد. در این میزگرد، «پیمان عارف» به عنوان نماینده طیف فکری لیبرال، «حسین نقاشی» به عنوان نماینده انجمن اسلامی دانشجویان، «صادق جوکار» به عنوان نماینده طیف ملی گرا (پاسارگاد) و «پریسا نصرآبادی» به نمایندگی از طیف فکری چپ انتقادی حضور داشتند. عضو شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه تهران در این نشست با تاکید بر لزوم فراهم بودن شرایط مذاکره با آمریکا گفت: «نباید یک طرف مذاکره ناز و طرف دیگر نیاز باشد. هدف ما برای مذاکره نیز تامین منافع ملت در حالت گفتمانی است و اگر غیر از این باشد اصل مذاکره منتفی است. در ایران به نظر می رسد برخی توانایی گفت وگو حتی با جناح های معتدل تر جامعه جهانی را ندارند، وگرنه اصل مذاکره و رابطه نه از منظر عقلانی و نه از منظر مذهبی هیچ ایرادی ندارد و باید طبق منافع ملی برای آن تصمیم گیری شود.» نقاشی همچنین گفت: «متاسفانه اکنون رقابت درون جناحی درباره مسئله مذاکره با آمریکا وجود دارد. درست برخلاف آمریکا و اروپا که در مورد منافع ملی اجماع کلی دارند، ولو اینکه تاکتیک هایشان متفاوت باشد. اما ما در مورد مسائل کلی نظام، رقابتی را بین جناح ها شاهد هستیم.» جوکار از طیف ملی گرا نیز اظهار داشت: «ابتدا باید دید منافع ملی ایران با منافع دولت یکسان است یا نه. طبیعی است که منافع ملی کشورها چارچوبی برای ایجاد رفاه، استقلال و آزادی ملت ها است. آمریکا در گزارش هایی که از فعالیت های هسته ای ایران داشته، بر پنهان سازی ایران و بی اعتماد بودن به دولت تاکید کرده است. آنها معتقد بودند بهتر است ایرانی ها را با مذاکره به سمت خواست های خود سوق دهند.» نصرآبادی از فعالان دانشجویی چپ هم اظهار داشت: «هدف فعلی آمریکا از تدارک تهاجمات نظامی مثل عراق، بسترسازی یک رژیم اقتصادی سیاسی در جهان آینده است. در این مسیر دولت های ملی مستقل و نیروهای اجتماعی موجود، مانعی بر سر این راه هستند. مذاکره دو کشور که هر کدام مظهری از نظام سرمایه داری، هر چند با سطوح مختلف هستند، این مسئله را بدیهی می کند که افکار عمومی با توجه به هجمه تبلیغات و مافیای رسانه ای تاثیری روی سیاستگزاری های دولت ندارد. طیف چپ نیز به دلیل سرکوب گسترده، فاقد سازمان و حزب است. پس به دلیل فقدان تعین سیاسی نمی تواند نقش تعیین کننده ای داشته باشد و شاید تنها به تقویت گروه های ضدجنگ و فعالیت های بشردوستانه در راستای کمک به اقشار آسیب پذیر مردم بپردازد.» عارف دیگر دانشجوی حاضر در این نشست هم اظهار داشت: «آمریکا از نظر ما نه شر سیاسی است و نه خیر سیاسی که دموکراسی را در کوله پشتی سربازانش به کشورها وارد می کند، بلکه آمریکا یک بازیگر بین المللی است؛ همان طور که ایران است. پس ما نیازمند مذاکره بر محور منافع ملی هستیم.»

تهاجم به حزب اعتمادملی شروع می شود

ایلنا: جلسه دفتر سیاسی حزب اعتمادملی با حضور مهدی کروبی دبیرکل این حزب برگزار شد. در این جلسه ابتدا اعضای دفتر سیاسی و دبیرکل حزب دیدگاه های خود را درخصوص نحوه موضع گیری حزب در مورد مسائل سیاسی کشور و همچنین انتخابات مجلس خبرگان و شوراها مطرح کردند. سپس دبیرکل ضمن تاکید بر آمادگی حزب اعتمادملی به شرکت در انتخابات خبرگان و شوراها، عنوان کرد که «حزب ما کم کم از سوی برخی مورد تهاجم قرار می گیرد.»